

الزام قضات به صدور قرارهای جایگزین بازداشت موقت در حقوق ایران و فرانسه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۹)

حسنعلی مؤذن‌زادگان^۱، محمدرضا یزدانیان^۲

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی*
۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

قرارهای تأمین و نظارت قضایی، به آن دسته از تصمیمات احتیاطی مقامات قضایی اطلاق می‌شود که در راستای تأمین حقوق فردی و اجتماعی، به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی نزد قضات در فرآیند دادرسی کیفری برای انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی صادر می‌شود. تضمین حقوق بزه‌دیده از طریق جبران ضرر و زیان وی و جلوگیری از ایجاد اختلال در روند عادی رسیدگی کیفری توسط متهم، دو هدف مهم و اساسی صدور قرار تأمین در راستای الزامات دادرسی عادلانه و منصفانه می‌باشند. امروزه توسل به جانشین‌های بازداشت موقت در سطح بین‌المللی تقریباً جنبه الزامی به خود گرفته است. از جمله تحولات قانون جدید آیین دادرسی کیفری، توسعه قرارهای جایگزین بازداشت و الزام قضات به استفاده از قرارهای موصوف در فرآیند دادرسی کیفری است. صراحت و سیاق برخی از مواد قانونی در باب قرارهای تأمین و نظارت قضایی دلالت بر اصل «ممنوعیت صدور قرار بازداشت و الزام قضات به استفاده از قرارهای جایگزین بازداشت» دارد. در این مورد می‌توان به مواد ۲۱۷، ۲۳۷، ۲۳۹ و ۲۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره کرد. علاوه بر موارد یاد شده، پیامدها و تبعات منفی فردی، اجتماعی و قضایی استفاده از قرار بازداشت موقت نیز نظریه «الزامی بودن استفاده از جایگزین‌های بازداشت موقت» را تقویت می‌کند.

در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به خصوص مواد ۱۳۷، ۱۴۳ و ۱۴۴ و همچنین قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح این کشور، اصل «الزام قضات به استفاده از قرارهای نظارت قضایی جایگزین بازداشت» مورد تأکید قرار گرفته است.

کلیدواژگان: بازداشت موقت، نظارت قضایی، جایگزین‌های بازداشت، اصل برائت، قاضی آزادی‌ها و بازداشت.

مقدمه

در حال حاضر در سطح بین‌المللی و در کشورهای مختلف جهان استفاده از جانشین‌های بازداشت موقت تقریباً الزامی شده است. بند ۱۸ قطعنامه (II) ۶۵ کمیتهٔ وزرای شورای اروپا، توجه کشورهای عضو را به فواید اجتناب از بازداشت موقت جلب و به آن‌ها پیشنهاد کرده است که از تصمیمات دیگری در مورد متهمان از قبیل استفاده از «بازداشت در منزل» که در دانمارک و ایتالیا و اخیراً نیز در سوئد معمول شده است، «عدم ترک محل یا حوزهٔ قضایی معین، تودیع پاسپورت و سایر مدارک اثبات هویت» به شرحی که در دانمارک، نروژ و هلند متداول است، وثیقه و غیره استفاده کنند (آشوری، ۲۰۵: ۲/۱۳۸۷).

در حقوق فرانسه نیز نظارت قضایی به‌عنوان یکی از قرارهای جایگزین بازداشت موقت با قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ به‌عنوان قانون تحکیم حقوق و آزادی‌های متهم وارد نظام کیفری فرانسه شد. هدف اولیه و اصلی قرار نظارت قضایی، ایجاد جایگزین برای بازداشت موقت است. کنترل حالت خطرناک متهم، حذف موقعیت‌های جرم‌زا، اقدام به اصلاح و درمان و بازاجتماعی کردن متهم و حمایت از بزه‌دیده، از مهم‌ترین اهداف ثانوی قرار نظارت قضایی محسوب می‌شود (طهماسبی، ۱۶۵: ۲/۱۳۹۴).

قرارهای تأمین و نظارت قضایی، به آن دسته از تصمیمات احتیاطی مقامات قضایی اطلاق می‌شود که در راستای تأمین حقوق فردی و اجتماعی، به‌منظور دسترسی به متهم و حضور به‌موقع وی نزد قضات در فرآیند دادرسی کیفری برای انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی اصدار می‌گردد (آشوری، ۱۹۶: ۱/۱۳۸۹).

تأمین حقوق فردی متهم، تضمین حقوق بزه‌دیده و پیشگیری از ایجاد اختلال در سیر عادی رسیدگی کیفری از اهداف مهم صدور قرارهای موصوف در پرتو موازین دادرسی عادلانه و منصفانه می‌باشند. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، قرارهای تأمین کیفری التزام، کفالت و وثیقه و همچنین قرارهای نظارت قضایی به‌عنوان جایگزین‌های قرار بازداشت موقت پیش‌بینی شده است.

با توجه به منطق حقوقی اختیار و تکلیف مطلق قاضی در صدور قرار تأمین، این منطق صرفاً پذیرای صدور قرار تأمین به‌عنوان تکلیف قاضی در مواردی است که ادله کافی مبنی بر توجه اتهام به متهم وجود دارد (آخوندی، ۱۳۸۸/۵: ۱۶۰).

در قوانین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ و ۱۳۷۸، فقط چهار نوع قرار تأمین جایگزین بازداشت موقت مقرر شده بود.^۱ اما به موجب مواد ۲۱۷ و ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با هدف تأمین بهتر حقوق فردی و اجتماعی متهم و اجتناب هرچه بیشتر از صدور قرار بازداشت موقت که مفاسد آن در فرآیند تحقیقات مقدماتی و محاکمه روشن است، چهارده نوع قرار جایگزین بازداشت موقت پیش‌بینی شده است. یکی از تحولات مثبت قانون مزبور در جهت اعمال دادرسی منصفانه، افزایش قرارهای تأمین و اضافه کردن قرارهای نظارت قضایی جایگزین بازداشت موقت است.

یکی از استانداردهای دادرسی عادلانه و منصفانه، توسل به جایگزین‌های حبس است. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، افزون بر توسعه مصادیق قرارهای تأمین کیفری، در ماده ۲۴۷ «قرار نظارت قضایی» را نوآورانه مطرح نموده و پنج مصداق برای آن ارائه داده است (مصدق، ۱۳۹۴: ۷۶). در قانون ایران قرارهای نظارت قضایی به‌جز یک مورد، به صورت مستقل نمی‌توانند جایگزین بازداشت موقت شوند، بلکه بازپرس علاوه بر صدور قرار تأمین کیفری، می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، یک یا چند مورد از قرارهای نظارت قضایی مذکور در ماده ۲۴۷ را درباره متهم برای مدت معین صادر کند. به عبارت دیگر قرارهای نظارت قضایی در حقوق ایران، قرارهای جایگزین تکمیلی یا فرعی محسوب می‌شوند. مقام قضایی فقط در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت، در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارت وارده، می‌تواند قرار نظارت قضایی را به صورت مستقل صادر کند. در قانون فرانسه فقط قرار نظارت قضایی به‌عنوان جایگزین مستقل و اصلی بازداشت موقت در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر در نظام حقوقی ایران «نهاد نظارت قضایی» مانند فرانسه به‌عنوان یک نهاد مستقل و کامل مدنظر نبوده، بلکه به‌عنوان یک نهاد فرعی و تکمیلی در کنار قرارهای تأمین پیش‌بینی شده است (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۲/۱۶۷).

از لحاظ تعداد قرارهای نظارت قضایی، در ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، هفده مورد پیش‌بینی شده است؛ در حالی که در ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، پنج مورد

۱. ر.ک به: مواد ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ و ۱۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸.

قرار نظارت قضایی در نظر گرفته شده است که با احتساب قرارهای تأمین موضوع ماده ۲۱۷ قانون موصوف، قرارهای جایگزین بازداشت موقت در حقوق ایران به چهارده مورد می‌رسد. لازم به ذکر است که برخی از مصادیق قرارهای نظارت قضایی مذکور در ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه با تغییرات جزئی در قانون ایران به‌عنوان قرار تأمین کیفری مقرر شده است. همچنین موارد مشابه قرارهای پنج‌گانه نظارت قضایی مندرج در ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران در ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه وجود دارد.

برابر ماده ۲۴۷ «بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند:

الف- معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس؛

ب- منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری؛

پ- منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی؛

ت- ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز؛

ث- ممنوعیت خروج از کشور.»

بر اساس مقررات ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، بازپرس یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت می‌تواند متهم را به یک یا چند مورد از الزامات زیر به‌عنوان قرار نظارت قضایی، ملزم کند:

۱. عدم خروج از محدوده‌های سرزمینی تعیین شده؛

۲. عدم غیبت از اقامتگاه خود یا محل سکونت معین شده توسط بازپرس یا قاضی آزادی‌ها و

بازداشت، مگر در شرایطی و برای علل تعیین شده توسط قاضی؛

۳. عدم رفت‌وآمد به برخی مکان‌ها یا فقط رفت‌وآمد به مکان‌های معین شده؛

۴. مطلع کردن بازپرس یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت از هرگونه جابه‌جایی در خارج از

محدوده‌های تعیین شده؛

۵. حضور دوره‌ای نزد واحدها، نهادهای صالح یا مقامات منتخب بازپرس یا قاضی آزادی‌ها و

بازداشت؛

۶. پاسخگویی به دعوت هر مقام، نهاد یا شخص صالح منتخب بازپرس یا قاضی آزادی‌ها و

بازداشت و در صورت اقتضاء، تبعیت از تدابیر نظارتی مطرح در مورد فعالیت‌های حرفه‌ای؛

۷. تحویل تمامی مدارک شناسایی هویت و به‌ویژه گذرنامه در مقابل دریافت رسیدی که ارزش توجیه‌کنندگی هویت را دارد، به دفتر دادگاه یا واحد پلیس یا بریگاد (تیپ) ژاندارمری؛
۸. خودداری از راندگی تمامی وسایل نقلیه یا برخی از آن‌ها و در صورت مقتضی، تحویل گواهینامه خود به دفتر دادگاه در مقابل دریافت رسید؛
۹. خودداری از پذیرفتن یا ملاقات با برخی اشخاص تعیین شده توسط بازپرس یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت و ارتباط برقرار کردن با آن‌ها از هر طریقی که ممکن باشد؛
۱۰. تبعیت از تدابیر مربوط به معاینه، درمان یا مراقبت، حتی هنگام بستری شدن در بیمارستان به‌ویژه به‌منظور ترک اعتیاد؛
۱۱. تهیه وثیقه مالی که مبلغ و مهلت پرداخت آن در یک یا چند مرحله، توسط بازپرس یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت، به‌ویژه با توجه به امکانات مالی و هزینه‌های متهم تعیین می‌شود؛
۱۲. نپرداختن به برخی فعالیت‌های حرفه‌ای یا اجتماعی به‌استثنای نمایندگی انتخاباتی یا مسئولیت‌های صنفی، زمانی که جرم در انجام یا به مناسبت انجام این فعالیت‌ها ارتکاب شده است و زمانی که این ظن وجود دارد که جرم جدیدی ارتکاب یابد؛
۱۳. عدم صدور چک، مگر چک‌هایی که استثنائاً اجازه استرداد وجوه توسط صادرکننده را به دارنده چک می‌دهند یا چک‌های تضمین شده، و در صورت مقتضی، تحویل دسته‌چک‌هایی که استفاده از آن‌ها ممنوع است، به دفتر دادگاه؛
۱۴. عدم نگهداری یا حمل اسلحه و در صورت مقتضی، تحویل اسلحه‌هایی که مالک آن‌ها است در مقابل دریافت رسید به دفتر دادگاه؛
۱۵. دادن تأمین و تضمین شخصی یا مالی در یک مدت و برای یک دوره با مبلغ تعیین شده؛
۱۶. توجیه اینکه او در وظایف خانوادگی مشارکت کند یا به‌طور منظم، نفقه‌هایی که به پرداخت آن‌ها بر اساس تصمیمات قضایی و توافقات مورد تأیید از نظر قضایی در مورد الزام به پرداخت کمک‌های مالی، یارانه‌ها یا مشارکت در وظایف زناشویی، محکوم شده است، اقدام نماید؛
۱۷. در صورتی که جرم علیه همسر یا شریک زندگی مدنی یا علیه فرزندان آن‌ها یا فرزندان مشترک ساکن در اقامتگاه یا محل سکونت زوجین، ارتکاب یافته باشد، در صورت اقتضاء، او باید از حضور در این اقامتگاه یا محل سکونت یا مجاورت و حوالی آن، خودداری کند و همچنین، اگر ضروری باشد، انجام تکالیف بهداشتی، اجتماعی یا روانشناختی را بر عهده بگیرد.

با توجه به مراتب فوق گرچه رویکرد قانون ایران در استفاده از قرار نظارت قضایی، اقتباس از قانون فرانسه است، در عمل تفاوت‌های اساسی در این مورد بین دو قانون یادشده، مشاهده می‌شود. به لحاظ رویکردهای متفاوت اتخاذ شده توسط دو مقنن ایرانی و فرانسوی در مورد جایگزین‌های قرار بازداشت و نظارت قضایی و به‌ویژه رویکرد خاص مقنن ایرانی در تفکیک قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی، پاره‌ای از موارد مندرج در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری که در زمره «قرارهای نوین تأمین کیفری» و «قرارهای نوین جایگزین بازداشت موقت» محسوب می‌شوند، داخل در دامنه موارد هفده گانه مقرر در ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه قرار می‌گیرد. با عنایت به این که رویکرد اتخاذی مقنن فرانسوی از سیاست واحد و روشی پیروی نموده و مسیر مشخص و دقیقی را دنبال می‌کند، سیاست جنایی دوگانه‌ای بر قانون آیین دادرسی کیفری ایران از این نظر حاکم است (الهی منش، ۱۳۸۹: ۳۲۵).

ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در مقایسه با مواد ۲۱۷ و ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، ملاحظه می‌شود که دستورهای نظارت قضایی مندرج در بندهای ۱، ۲، ۵ و ماده ۱۳۸ قانون فرانسه با تغییرات جزئی در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران به‌عنوان مصادیق قرارهای التزام در باب قرارهای تأمین کیفری پذیرفته شده است. همچنین بندهای ۵، ۸، ۱۲ و ۱۴ ماده ۱۳۸ قانون فرانسه با تغییراتی در ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری به‌عنوان دستورهای نظارت قضایی بیان گردیده است. مفاد بند ۵ ماده ۱۳۸ قانون فرانسه، علاوه بر اینکه در قانون آیین دادرسی کیفری ایران به‌عنوان یکی از قرارهای التزام پذیرفته شده است، در ماده ۲۴۷ نیز تحت عنوان یکی از دستورهای نظارت قضایی بیان شده است که این تداخل روش مطلوبی در تدوین قوانین محسوب نمی‌شود. در ذیل ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه شیوه‌های اجرای قرارهای نظارت قضایی به آیین‌نامه شورای دولتی ارجاع داده شده است. مقنن ایرانی نیز در ماده ۲۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری، شیوه اجرای قرارهای نظارت قضایی را برابر آیین‌نامه مصوب رئیس قوه قضاییه دانسته است.

با توجه به تحولات یادشده در قانون آیین دادرسی کیفری جدید در باب قرارهای جایگزین بازداشت، پرسش مهم تحقیق این است که آیا قضاوت در فرایند دادرسی کیفری، الزامی به صدور قرارهای جایگزین بازداشت دارند یا خیر؟

در این پژوهش بنا بر این است که با توجه به مبانی قانونی بحث، تفسیری منطقی از قانون نسبت به حقوق و آزادی‌های فردی متهم ارائه شود. در این مقاله مبانی قانونی الزام قضات به صدور قرارهای جایگزین بازداشت موقت، ممنوعیت صدور قرار بازداشت موقت به جز موارد خاص و اجتناب از آثار سوءاستفاده از قرار بازداشت موقت در حقوق ایران و فرانسه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱. مبانی قانونی الزام قضات به صدور قرارهای جایگزین بازداشت موقت

مبانی الزام قضات به صدور قرارهای جایگزین بازداشت موقت را در دو بخش قرائن و امارات قانونی و تصریح قانون‌گذار به شرح آتی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱-۱. قرائن و امارات قانونی

سیاق و مفاد مواد قانونی در باب قرارهای تأمین و نظارت قضایی دلالت بر منع صدور قرار بازداشت موقت و ضرورت صدور قرارهای جایگزین بازداشت دارد. در این رابطه به چند ماده قانونی از قانون آیین دادرسی کیفری اشاره می‌شود:

۱. در صدر ماده ۲۱۷ آمده است: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند...». همچنین مقنن در بند (د) ماده یاد شده، صدور قرار بازداشت موقت را مقید به «رعایت شرایط مقرر قانونی» نموده است.

جمع مقررات فوق دلالت بر این امر دارد که با تحقق شرایط عمومی مذکور در صدر ماده ۲۱۷ و در صورت وجود دلایل کافی، مقام قضایی الزاماً باید یکی از قرارهای جایگزین بازداشت را صادر کند و صدور قرار بازداشت موقت به طور استثنایی و صرفاً در جرائم تصریح شده در قانون و با رعایت شرایط خاص ذکر شده در ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری امکان پذیر است. یکی از جهات صدور قرار تأمین در ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۷۸ «جلوگیری از تبانی متهم با دیگری» بود. با توجه به اینکه این جهت، مخصوص «قرار بازداشت موقت» است، در ماده ۲۳۸ قانون جدید به عنوان یکی از شرایط صدور قرار موصوف قید شده است؛

۲. در ماده ۲۳۷ به صراحت آمده است: «صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست، مگر...» این تأکید قانونی نیز دلالت بر رعایت اصل «الزام یا ضرورت صدور قرارهای جایگزین بازداشت» دارد؛ مگر اینکه در شرایط خاص و برخلاف اصل، صدور قرار بازداشت ضرورت داشته باشد؛

۳. در ماده ۲۳۹ مقرر شده است: «قرار بازداشت موقت باید مستدل و موجه باشد و مستند قانونی و ادله آن و حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود.» در هیچ یک از قرارهای جایگزین بازداشت، چنین تکلیفی وجود ندارد. از مفهوم مخالف این ماده نیز استنباط می‌شود که اصل بر صدور قرارهای جایگزین بازداشت است و در این مورد الزام قانونی وجود دارد؛ مگر اینکه به‌عنوان آخرین راهکار، صدور قرار بازداشت موقت ضرورت داشته باشد که در این مورد نیز بازپرس باید مستند قانونی و ادله این ضرورت را قید کند.

۱-۲. تصریح قانون

از جمله تحولات مهم قانون آیین دادرسی کیفری در راستای تحقق دادرسی منصفانه، الزام قاضی در موارد معین برای صدور قرارهای جایگزین بازداشت موقت است. مقنن در این موارد که ذیلاً بحث می‌شود، قاضی را از صدور قرار بازداشت موقت منع و او را ملزم به صدور یکی از قرارهای جایگزین مقرر در قانون کرده است.

۱-۲-۱. جرائم تعزیری درجه‌های ۸-۵ به جز موارد خاص

با توجه به بندهای (ب)، (پ)، (ت) و (ث) ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، قاضی باید در جرائم تعزیری درجه‌های ۸-۵ به جز در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آن‌ها درجه پنج و بالاتر است و نیز جرائم ناظر به ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود و همچنین سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرائم مذکور باشد، مبادرت به صدور یکی از قرارهای جایگزین بازداشت موقت کند.

۱-۲-۲. جرائم غیر عمدی

در این دسته از جرائم، عنصر معنوی خطای جزایی است و عصاره آن بی‌دقتی و عدم تأمل و احتیاط در انجام رفتارهای اجتماعی است. از دیدگاه جرم‌شناسی نمی‌توان مرتکبان جرائم غیر عمدی را در طبقه‌بندی مجرمان خطرناک که دارای ظرفیت جنایی یا استعداد مجرمانه برای ارتکاب اعمال ضد اجتماعی می‌باشند، قرار داد. از این رو مقنن در سیاست جنایی تقنینی قانون آیین دادرسی کیفری، صدور قرار بازداشت موقت را منع و حتی به شرط تضمین حقوق بزهدیده از طریق ممکن با تشخیص قاضی، مقام قضایی را مکلف به صدور یکی از قرارهای غیر از کفالت و وثیقه کرده است. تبصره ۳ ماده ۲۱۷ در این خصوص مقرر می‌دارد: «در جرائم غیر عمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضایی تضمین حقوق بزهدیده به طریق دیگر امکان‌پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست.»

۱-۲-۳. تخلف متهم از مفاد قرار نظارت قضایی

ماده ۲۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری، ضمانت اجرای تخلف از مفاد قرار نظارت قضایی را بیان کرده است که حسب مورد، لغو قرار نظارت، تشدید تأمین یا تبدیل قرار نظارت قضایی به قرار تأمین متناسب است. برابر مقررات ماده موصوف: «هرگاه متهم از اجرای قرار نظارت قضایی که توأم با قرار تأمین صادر شده است، تخلف کند، قرار نظارت لغو و قرار تأمین، تشدید می‌شود و در صورت تخلف متهم از اجرای قرار نظارت مستقل، قرار صادره به قرار تأمین متناسب تبدیل می‌گردد. مفاد این ماده در حین صدور قرار نظارت قضایی به متهم، تفهیم می‌شود.» در تبصره این ماده آمده است: «در اجرای این ماده، نمی‌توان قرار صادره را به قرار بازداشت موقت تبدیل کرد.» ملاحظه می‌شود که مقنن در این مورد صراحتاً، صدور قرار بازداشت موقت را ممنوع اعلام کرده و قضات را ملزم به صدور قرارهای جایگزین بازداشت در صورت تخلف متهم از مفاد قرار نظارت قضایی کرده است.

۲. ممنوعیت صدور قرار بازداشت موقت به جز در موارد خاص و استثنایی

سلب آزادی از افراد باید تنها در موارد خاص به موجب قانون و به دستور مراجع قضایی و به حکم ضرورتی گریزناپذیر صورت پذیرد (حیدری، ۱۳۹۴: ۳۰). امروزه اصل «صدور قرار بازداشت موقت در موارد خاص و استثنایی» در اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری کشورهای مختلف پذیرفته

شده است. در حقوق انگلستان به عنوان یک قاعده کلی، بازداشت موقت متهم در صورتی که جرم ارتكابی مستلزم مجازات حبس نباشد، ممنوع است؛ مگر اینکه متهم قبلاً تحت قرار تأمین آزاد بوده و از حضور نزد مقامات قضایی در مواقع تعیین شده، امتناع داشته باشد (مؤذن زادگان، ۱۳۷۳: ۲۵۴). اهمیت قرار بازداشت موقت که آزادی افراد را تهدید می‌کند، اقتضاء دارد که قواعد دقیق، چهارچوب و قلمرو صدور آن را تعیین و ترسیم نماید. قواعدی مانند «صدور در موارد خاص و استثنایی»، «محدودیت مدت آن»، «پذیرش حق اعتراض متهم» و «لزوم جبران خسارت ناشی از بازداشت غیر ضروری». از این اصول می‌توان به عنوان اصول مهم مربوط به تضمین حقوق متهم در دادرسی عادلانه و منصفانه یاد کرد (یزدانیان، ۱۳۸۱: ۲۳۹-۲۳۸). در این گفتار به موارد جواز صدور قرار بازداشت موقت و شرایط و محدودیت‌های آن می‌پردازیم.

۲-۱. جواز صدور قرار بازداشت موقت فقط در جرائم مهم

برابر ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری، صدور قرار بازداشت صرفاً در جرائم شدید و مهم جایز است.

این جرائم عبارت‌اند از:

۱. جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات یا حبس ابد یا قطع عضو و در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی، جنایاتی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل یا بیش از آن است؛
 ۲. جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است؛
 ۳. جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آن‌ها درجه پنج و بالاتر است؛
 ۴. ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود؛
 ۵. سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول، در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتكاب هر یک از جرائم مذکور باشد.
- تبصره - موارد بازداشت موقت الزامی، موضوع قوانین خاص، به جز قوانین ناظر بر جرائم نیروهای مسلح از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون ملغی است.

ماده ۱۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز صدور قرار بازداشت موقت را در دو حالت پیش‌بینی کرده است؛ حالت اول، شخص مورد تعقیب (متهم) در معرض مجازات جنایی قرار داشته باشد. حالت دوم، شخص مورد تعقیب در معرض مجازات جنحه‌ای که مدت آن برابر یا بیشتر از سه سال حبس است، قرار گرفته باشد. همچنین بازداشت موقت می‌تواند هنگامی که متهم عمداً از انجام الزامات نظارت قضایی خودداری می‌کند، صادر شود.

ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه هم اصل را بر «بی‌گناهی متهم و آزادی وی» قرار داده و در این مورد تصریح کرده است: «هر شخصی که تحت تعقیب است (متهم)، بی‌گناه فرض می‌شود و آزاد باقی می‌ماند». در ادامه ماده آمده است: «... با این وجود، به علت ضرورت‌های تحقیق یا به‌عنوان تدابیر تأمینی، می‌توان متهم را به تبعیت از یک یا چند مورد از الزامات نظارت قضایی یا اگر این الزامات ناکافی باشد، به حضور در محل سکونت با نظارت الکترونیکی ملزم کرد.» و در نهایت صدور قرار بازداشت موقت را در شرایط خاص و استثنایی مورد حکم قرار داده و مقرر کرده است: «... به صورت استثنایی اگر الزامات نظارت قضایی یا حضور در محل سکونت با نظارت الکترونیکی، اجازه دست‌یابی به این اهداف (ضرورت‌های تحقیق یا تدابیر تأمینی) را ندهد، شخص تحت تعقیب (متهم) را می‌توان بازداشت موقت کرد.»

برابر بند ۳ ماده ۱۳۷ قانون یادشده، قاضی آزادی‌ها و بازداشت، هنگامی که قرار بازداشت موقت را صادر یا آن را تمدید می‌کند یا هنگامی که در خواست آزادی را رد می‌کند، باید در قرار خود، ناکافی بودن الزامات نظارت قضایی و علت بازداشت را قید کند (تدین، ۱۳۹۱: ۱۳۴).

برابر مقررات ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح فرانسه، بازداشت موقت همچنین هنگامی می‌تواند صادر شود که متهم، عمداً الزامات نظارت قضایی را رعایت نکند یا هنگامی که بازداشت برای حفظ انتظام و نظم نظامیان ضروری باشد.

در حقوق آمریکا هم قرار بازداشت موقت جز در جرائم مستوجب اعدام به صورت مستقیم صادر نمی‌شود بلکه مبالغ سنگینی به‌عنوان وثیقه تعیین می‌گردد که در عمل منتهی به بازداشت متهم می‌شود. مدافعان حقوق بشر، بازداشت موقت را «شر اجتناب‌ناپذیر» نامیده‌اند (زراعت، ۲۰۱۳۹۳: ۲۲۸).

۲-۲. ضرورت وجود شرایط خاص جهت صدور قرار بازداشت موقت

صدور قرار بازداشت موقت در جرائم مهم موضوع ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری، منوط به رعایت شرایط ویژه می‌باشد. این شرایط که حداقل یکی از آنها در موقع صدور قرار باید محقق باشد، طبق ماده ۲۳۸ همان قانون عبارت‌اند از:

- ۱- آزادی متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقع گردد یا سبب شود شهود از اداء شهادت امتناع کنند؛
- ۲- بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد؛
- ۳- آزاد بودن متهم محل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاکی، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

همچنین برابر ماده ۱۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه «بازداشت موقت، فقط هنگامی می‌تواند صادر یا تمدید شود که با توجه به عناصر معین و مشروح ناشی از دادرسی اثبات گردد که تنها راه پیشگیری از یک یا چند مورد از موارد مذکور در ماده، بازداشت موقت است و در صورت استقرار تحت نظارت قضایی، این امور لطمه نمی‌بیند.» پس از مفاد قانون فرانسه می‌توان به نتایج ذیل دست یافت:

- ۱- اصل بر بی‌گناهی متهم و آزادی بدون قید و شرط وی است؛
 - ۲- در صورت ضرورت یا به‌عنوان تدابیر تأمینی، قرار نظارت قضایی صادر می‌شود؛
 - ۳- به شرط ناکافی بودن الزامات نظارت قضایی، متهم ملزم به حضور در محل سکونت با نظارت الکترونیکی می‌شود؛
 - ۴- در موارد استثنایی (جلوگیری از امحای ادله و مدارک جرم که برای کشف حقیقت ضروری است، حمایت از متهم یا جلوگیری از فشار بر بزه‌دیده یا شهود یا خانواده آن‌ها، جلوگیری از تبانی متهم با شرکاء یا معاونان جرم، تضمین حضور متهم در دادرسی، پایان دادن به جرم یا پیشگیری از تکرار آن و جلوگیری از اختلال استثنایی و دایمی در نظم عمومی ناشی از شدت جرم یا شدت خسارت ناشی از آن) ممکن است قرار بازداشت موقت صادر شود.
- در قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح فرانسه در فصل مقررات زمان جنگ نیز در ماده ۲۱۲ به تبعیت از این قاعده مقرر شده است: «در موضوعات جنحه‌ای، دستور بازداشت موقت در جریان تحقیق و رسیدگی می‌تواند به یکی از علل زیر صادر شود:

۱. هنگامی که بازداشت موقت شخص متهم، تنها راه حفظ ادله یا قرائن مادی یا جلوگیری از فشار بر شهود یا بزهدیدگان یا جلوگیری از تبانی بین متهمان و معاونین است؛
۲. هنگامی که این بازداشت تنها راه حمایت از متهم، تضمین دسترسی به وی و پایان دادن به جرم یا پیشگیری از تکرار آن است؛
۳. هنگامی که جرم، به علت شدت خود، شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب آن یا شدت خسارات ناشی از آن، اختلال خاص و دائمی در نظم عمومی ایجاد کرده است و بازداشت شخص تنها راه پایان دادن به آن است.» (تدین، ۱۳۹۴: ۹۹)

۲-۳. محدودیت مدت بازداشت موقت

یکی از قواعد خاص حاکم بر بازداشت موقت که در اسناد بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است، محدود بودن مدت بازداشت موقت است.^۱ محدود کردن مدت بازداشت، یکی از ابزارهای مهم نظارت و کنترل قضایی بازداشت موقت می‌باشد. سازوکار تمدید مدت بازداشت موقت که در نظام‌های دادرسی کیفری مقرر شده است، از یک سو به لحاظ تعیین تکلیف هر چه سریع‌تر فردی است که با نقض اصل برائت در بازداشت به سر می‌برد و از سوی دیگر برای جلوگیری از اطالة دادرسی و ترغیب مقامات قضایی در فیصله‌دادن به دعوی کیفری است (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

در تبصره ۲ ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰، طول مدت بازداشت در جرائم جنحه‌ای حداکثر دو ماه و در جرائم جنایی چهار ماه تعیین شده بود. طبق بند (ط) ماده ۳ قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۸۱، مدت قرار بازداشت در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا چهارماه و در سایر جرائم تا دو ماه مقرر شده بود. به موجب ماده ۲۴۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری به‌عنوان جانشین ماده فوق این مدت در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲، دو ماه و در سایر جرائم به یک ماه کاهش پیدا کرده است. ناگفته پیداست که این تصمیم مقنن تأثیر قابل توجهی در بازداشت‌زدایی و رفع آثار مخرب زندان بر متهمان و خانواده‌های آن‌ها دارد و گامی مؤثر در تضمین حقوق دفاعی متهمان محسوب می‌شود.

۱. ر.ک. به: ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۵ قطعنامه کنگره بین‌المللی حقوق جزا- برزیل، ۱۹۹۴.

اداره حقوقی قوه قضاییه به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۱۲۳۱ - ۹۴/۵/۱۷ اعلام کرده است: «حداکثر مدت قرار بازداشت موقت در جرائم موجب سلب حیات دو سال و در سایر جرائم یک سال است و در جرائم موجب مجازات سلب حیات، مانند قتل عمدی پس از انقضای مهلت بازداشت موقت، امکان ادامه بازداشت متهم با قرارهای کفالت و وثیقه وجود دارد. در صورت تعدد جرائم ارتكابی از سوی متهم، نظر به اینکه قرار تأمین کیفری صادره، نسبت به همه جرائم ارتكابی است، بنابراین حداکثر مدت بازداشت وی به لحاظ صدور قرار تأمین، بالاترین حداقل مدت حبس تعیین شده در قانون برای جرائم مذکور، ملاک محاسبه خواهد بود.» همچنین مرجع مزبور اضافه کرده است که چنانچه پرونده در دادگاه مطرح شود و بازداشت متهم ادامه داشته باشد، دادگاه ملزم به رعایت سقف زمانی مذکور در ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد. الزام دادگاه به تکلیف مقرر در صدر ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری، در فرضی است که دادگاه بدون کیفرخواست رسیدگی می‌کند؛ یعنی حالتی که پرونده در اجرای مواد ۳۰۶، ۳۴۰ یا تبصره ۱ ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری، از ابتدا به طور مستقیم در دادگاه مطرح است. همچنین در دادگاه عمومی بخش، تا پایان تحقیقات مقدماتی همانند دادسرا اقدام می‌شود (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۲/۱۵۵).

در حقوق فرانسه نیز مدت بازداشت موقت محدود است. برابر بند ۱ ماده ۱۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه: «بازداشت موقت با توجه به شدت اعمال انتسابی به متهم و پیچیدگی تحقیقات ضروری برای کشف حقیقت، نمی‌تواند از یک مدت معقول تجاوز کند.» این مدت در موضوعات جنحه‌ای و جنایی به شرح زیر می‌باشد:

۱- جرائم جنحه‌ای: برابر ماده ۱-۱۴۵، در صورتی که حداکثر مجازات قانونی، پنج سال حبس باشد و متهم سابقه محکومیت حبس بیش از یک سال نداشته باشد، مدت بازداشت موقت حداکثر چهار ماه می‌باشد که این مدت به صورت استثنایی و با ذکر دلیل به مدت چهار ماه دیگر قابل تمدید است و در هر حال مدت کلی بازداشت نمی‌تواند از یک سال تجاوز نماید.

چنانچه یکی از عناصر مشکله جرم در خارج از سرزمین فرانسه ارتکاب یابد یا متهم به لحاظ ارتکاب یکی از جرائم قاچاق مواد مخدر، تروریسم، قوادی، اخاذی یا مشارکت در گروه‌های بزهکاری و یا گروه‌های سازمان‌یافته، تحت تعقیب قرار گیرد و حداکثر مجازات قانونی جرم تا ده سال حبس باشد، مدت بازداشت موقت تا دو سال ادامه می‌یابد. این مدت به صورت استثنایی و

هنگامی که تحقیقات بازپرسی باید ادامه یابد و آزادی متهم برای امنیت اشخاص و اموال، ایجاد خطر شدیدی کند، به مدت چهار ماه دیگر توسط شعبه تحقیق قابل تمدید است.

۲- جرائم جنایی: برابر بند ۲ ماده ۱۴۵ در جرائم جنایی، حداکثر مدت بازداشت موقت یک سال است و این مدت تا شش ماه دیگر با ذکر دلیل توسط قاضی آزادی‌ها و بازداشت قابل تمدید است. به هر حال در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها کمتر از بیست سال حبس جنایی است، بیشتر از دو سال و در حالات دیگر، بیشتر از سه سال نمی‌توان متهم را در حالت بازداشت موقت نگه داشت. چنانچه یکی از عناصر متشکله جرم در خارج از سرزمین فرانسه ارتکاب یابد، این مدت‌ها به ترتیب سه و چهار سال خواهد بود. همچنین اگر متهم برای قاچاق مواد مخدر، تروریسم، قوادی، اخاذی یا جنایت ارتكابی در قالب گروه‌های سازمان‌یافته تحت تعقیب قرار گیرد، مدت بازداشت موقت چهار سال خواهد بود.

به صورت استثنایی، هنگامی که تحقیقات بازپرسی باید ادامه یابد و آزادی متهم برای اشخاص و یا اموال، ایجاد خطر شدیدی کند، شعبه تحقیق می‌تواند مدت‌های پیش‌بینی شده در این ماده را برای چهار ماه دیگر تمدید کند (تدین، ۱۳۹۱: ۱۴۶).

محدودیت مدت بازداشت موقت در قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح فرانسه نیز مورد تأکید قرار گرفته است. برابر مقررات ماده ۲۱۲ قانون موصوف (در زمان جنگ) تا هنگام اتخاذ تصمیم درباره اقدام بر روی پرونده، هر متهم دادگاه‌های نیروهای مسلح می‌تواند حداکثر به مدت پنج روز بر اساس دستور بازداشت موقت مقام صالح برای شروع تعقیبات، زندانی شود. اگر این مقام صالح قبل از انقضای این مدت، معتقد باشد که حفظ دستور بازداشت ضرورتی ندارد، دستور به رفع آن می‌دهد؛ اگرچه هیچ‌گونه تصمیم تعقیبی تا انقضای مدت اتخاذ نشده باشد.

۲-۴. الزامی نبودن صدور قرار بازداشت موقت

از اشکالات اساسی صدور قرار بازداشت موقت در قوانین سابق به‌ویژه ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۷۸، الزامی بودن صدور آن به نحو عام و در موارد خاص مقرر در قوانین متفرقه بود. یکی از نوآوری‌های مهم قانون جدید ملغی کردن موارد بازداشت موقت اجباری است. این سیاست تقنینی در جهت حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی متهم، همسویی با اصل برائت و راهبردهای اسناد بین‌المللی مبنی بر «استثنایی بودن صدور قرار بازداشت موقت» و در راستای الزامات

دادرسی عادلانه و منصفانه وضع شده است. قانون جدید آیین دادرسی کیفری در ماده ۲۳۷ و تبصره آن، ضمن تأکید بر لزوم وجود قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم، لغو اجباری بودن صدور قرار بازداشت را به جز در مورد جرائم نیروهای مسلح، اعلام داشته است.

تبصره ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری، در این مورد مقرر نموده است: «موارد بازداشت موقت الزامی، موضوع قوانین خاص، به جز قوانین ناظر بر جرائم نیروهای مسلح از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون ملغی است.»

موارد بازداشت موقت الزامی ناظر بر جرائم نیروهای مسلح در حال حاضر عبارت‌اند از: اختلاس زائد بر یک میلیون ریال در صورت وجود دلایل کافی، موضوع ماده ۱۲۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و جرائم موضوع ماده ۶۱۸ آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح در زمان جنگ. در مورد اختلاس لازم به ذکر است که صدور قرار بازداشت موقت موضوع ماده ۱۲۳ منحصر به بزه اختلاس می‌باشد و از لحاظ قانونی مجوزی برای تسری قرار مزبور به جرائم در حکم اختلاس مانند جرم موضوع ماده ۳۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲ وجود ندارد (یزدانیان، ۱۳۹۰: ۳۳۵).

همچنین صدور قرار بازداشت موقت الزامی در مورد جرائم نیروهای مسلح به صراحت ماده ۶۱۸ باید با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی کیفری در مورد قرار موصوف باشد. از جمله مقررات مورد نظر مقنن عبارت است از: وجود یکی از شرایط مذکور در ماده ۲۳۸، لزوم موافقت دادستان (موضوع ماده ۲۴۰)، محدودیت مدت آن (موضوع ماده ۲۴۲) و تبصره ماده ۶۱۸ (یزدانیان، ۱۳۹۴: ۴۰). ملاک و معیارهای تفکیک جرائم عمومی از جرائم نظامی، عبارت‌اند از: ۱. شخصیت مرتکب جرم که باید از کارکنان نیروهای مسلح باشد؛ ۲. طبیعت جرم که باید صرفاً از سوی کارکنان نیروهای مسلح قابل ارتکاب باشد. جرائم نیروهای مسلح فقط در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح پیش‌بینی شده است. البته این موضوع بدان معنا نیست که همه جرائم پیش‌بینی شده در این قانون در زمره جرائم نظامی هستند؛ بلکه صرفاً آن دسته از جرائم پیش‌بینی شده در این قانون جزء جرائم نظامی است که صرفاً از سوی کارکنان نیروهای مسلح قابل ارتکاب باشد (رضوی، ۱۳۸۶: ۵۲). اداره حقوقی قوه قضاییه به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۲۲۲۱-۹۳/۹/۱۷-۹۳ بیان داشته است: «عبارت «صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست مگر اینکه در مورد...» در ماده ۲۳۷ حکایت از آن دارد که، اصل بر عدم الزام در صدور قرار بازداشت موقت می‌باشد. بدین سبب قانون‌گذار

صدور قرار بازداشت موقت را امری استثنایی و آن هم با جمع شرایطی جایز دانسته و افزون بر آن، از کلمه «جایز» که اختیاری بودن امر استنباط می‌شود، چنین استنتاج می‌گردد که صدور قرار بازداشت موقت اختیاری است؛ با تذکر این نکته که تأمین همواره باید متناسب باشد.

در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز موارد بازداشت موقت الزامی وجود ندارد. مواد ۱۴۳ و ۱۴۴ حکایت از اختیاری بودن صدور قرار بازداشت موقت دارد. در قسمت اخیر ماده ۱۴۳ آمده است: «هنگامی که متهم عمداً از انجام الزامات نظارت قضایی خودداری کند، قرار بازداشت موقت می‌تواند در شرایط پیش‌بینی شده صادر شود.» همچنین در ماده ۱۴۴ قانون موصوف مقرر شده است: «بازداشت موقت فقط هنگامی می‌تواند صادر یا تمدید شود که با توجه به عناصر معین و مشروح ناشی از دادرسی اثبات گردد که تنها راه پیشگیری از یک یا چند مورد از موارد زیر، بازداشت موقت است و در صورت استقرار تحت نظارت قضایی، این امور لطمه نمی‌بینند:

۱- نگهداری ادله یا قرائن مادی که برای کشف حقیقت ضروری است؛

۲- جلوگیری از فشار بر شهود یا بزهدیده یا خانواده آن‌ها؛

۳- جلوگیری از تبانی بین شخص تحت تعقیب، شرکا یا معاونان جرم؛

۴- حمایت از شخص تحت تعقیب (متهم)؛

۵- تضمین حفظ شخص تحت تعقیب (متهم)، به منظور در دسترس دادگستری بودن؛

۶- پایان دادن به جرم یا پیشگیری از تکرار آن؛

۷- پایان دادن به اختلال استثنائی و دائمی در نظم عمومی ناشی از شدت جرم، اوضاع و احوال ارتکاب جرم یا شدت خسارات ناشی از آن. این اختلال نمی‌تواند فقط ناشی از بازتاب و تأثیر رسانه‌ای پرونده باشد. با این وجود، بند حاضر در موضوعات جنحه ای قابل اجرا نیست.» (تدین، ۱۳۹۱: ۱۴۲-۱۴۳)

لازم به ذکر است برابر ماده ۲۱۱ قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح فرانسه، مقررات حاکم بر بازداشت موقت نظامیان در زمان صلح، تابع مقررات قانون آیین دادرسی کیفری است.

۲-۵. ضرورت جبران خسارت متهمان بی‌گناه بازداشت شده

با وجود تمام تمهیدات و تدابیری که جهت کنترل بازداشت موقت در بعد بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها پیش‌بینی شده است، موارد زیادی اتفاق می‌افتد که متهم استحقاق بازداشت را نداشته

و ناروا و بدون رعایت شرایط و ضوابط قانونی توقیف شده است. در چنین مواردی جبران خسارت زندانیان بی‌گناه ضرورت دارد.

موضوع قابل توجهی که در زمره تحولات آیین دادرسی در دهه‌های اخیر مطرح شده است، حق جبران خسارت متهمانی است که به موجب قرار به‌ظاهر قانونی، مدتی از عمر خود را در بازداشت به سر برده و با فرض عدم احراز سوءنیت قاضی صادرکننده قرار، پس از طی مراحل دادرسی، بی‌گناهی آنان به اثبات رسیده و قرار منع پیگرد یا حکم برائت قطعی دریافت می‌نمایند (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۰: ۱۴۸).

اصل جبران خسارت زندانیان بی‌گناه از نیمه دوم قرن بیستم در قوانین بسیاری از کشورها پذیرفته شد. جبران خسارت زندانیان بی‌گناه در قوانین کشورهای فرانسه، آلمان، ژاپن، هلند، اتریش، سوئد، رومانی، سوئیس، بلژیک و لهستان تحت شرایطی پیش‌بینی شده است. کشورهای پیرو نظام کامن‌لا و کشورهای آفریقایی و عربی، جبران خسارت زندانیان بی‌گناه را نپذیرفته‌اند (خزانی، ۱۳۷۷: ۶۰). بند ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در این مورد تصریح کرده است: «هرکس به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شود، حق جبران خسارت خواهد داشت». برخی از حقوق‌دانان صرف صدور حکم برائت و یا قرار منع تعقیب را برای دریافت خسارت کافی نمی‌دانند و اعتقاد دارند که متهمی که دستگاه عدالت او را بی‌گناه شناخته، وقتی استحقاق دریافت خسارت را دارد که بی‌گناهی واقعی خود را ثابت نماید؛ زیرا در بسیاری از موارد شک و تردید به نفع متهمین تعبیر و موجب برائت آنان می‌گردد که این افراد مطلقاً لیاقت جبران خسارت را ندارند. پروفیسور لئوته و ودل از جمله حقوق‌دانان برجسته‌ای بودند که این نظریه را ابراز داشته‌اند (آشوری، ۱۳۷۶: ۳۶).

در حقوق ایران قبل از تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری، جبران خسارت ناشی از بازداشت در قوانین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده بود. فقط در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، حکم جبران خسارت مادی یا معنوی ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی مقرر شده بود. به هر حال بر اساس قواعد «لاضرر و ضمان» و حق جبران خسارت متهم و اصل «انصاف» و تکلیف اصل ۱۷۱ قانون اساسی، متهم بی‌گناه که بازداشت شده است، باید حق مراجعه به قاضی یا دولت را در خصوص جبران خسارت خود داشته باشد (ناصرزاده، ۱۳۷۳: ۲۰۱).

در اصل ۱۷۱ قانون اساسی آمده است: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر

طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.»

از جمله نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ که اقدامی مؤثر در احترام به اصل برائت و اجرای عدالت کیفری و الزام قضات به حزم و احتیاط در اتخاذ تصمیمات منتهی به سلب آزادی اشخاص محسوب می‌شود، تعیین نحوه جبران خسارات متهمان بی‌گناهی است که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، نهایتاً حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می‌شود.

براساس ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می‌شود، می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون، خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.»

همچنین برابر ماده ۲۵۶ قانون موصوف، در موارد زیر شخص بازداشت‌شده مستحق جبران خسارت نیست:

- الف - بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد؛
- ب - به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد؛
- پ - به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد؛
- ت - هم زمان به علت قانونی دیگری بازداشت باشد.

نکته مهمی که در این موضوع وجود دارد این است که جبران خسارت ناشی از بازداشت بر عهده دولت است، لیکن در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت می‌تواند پس از جبران خسارت به استناد ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری، به مقصر اصلی مراجعه کند. بنابراین اگر در صدور قرار بازداشت موقت، متهم بی‌گناه و قاضی مقصر باشد، قاضی مسئول جبران خسارت می‌باشد.

در آیین دادرسی کیفری فرانسه جبران خسارت ناشی از بازداشت در مواد ۱۴۹ و ۱۵۰ پیش‌بینی شده است. براساس ماده ۱۴۹، شخص تحت بازداشت موقت که جریان دادرسی با قرار منع تعقیب، آزادی یا برائت قطعی، به نفع او پایان پذیرفته است، حق دارد جبران کامل خسارات مادی و معنوی ناشی از بازداشت را درخواست کند. موارد استثناء نیز عبارت است از: عفو عمومی بعد از بازداشت

موقت، مرور زمان در دعوی عمومی بعد از آزادی شخص، بازداشت هم زمان به علت قانونی دیگر، فراهم نمودن موجبات بازداشت خود به منظور فراری دادن مرتکب جرم.

در ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تأکید شده است که جبران خسارت بر آورده شده بر عهده دولت است؛ هر چند که دولت به اعلام کننده دارای سوءنیت یا شاهد کاذب که شهادت کذب او باعث بازداشت یا تمدید آن شده است، می‌تواند رجوع کند. این خسارات به‌عنوان هزینه‌های دادرسی کیفری پرداخت می‌شود (تدین، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

با مقایسه و تطبیق قوانین آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه نکات زیر قابل ذکر است:

۱. در قانون فرانسه علاوه بر صدور قرار منع تعقیب قطعی و حکم برائت قطعی، تصمیم دادگاه مبنی بر آزادی متهم نیز از موجبات پرداخت خسارت متهم بازداشت شده بی‌گناه است که این جهت مهم از دید مقنن ایران مغفول مانده است.

۲. در قانون فرانسه به صراحت، جبران خسارت معنوی نیز مورد حکم قرار گرفته است، لیکن در قانون ایران به طور غیر مستقیم و با اشاره به ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری به این امر پرداخته شده که ممکن است در عمل و رویه قضایی اشکالاتی در پرداخت خسارت معنوی ایجاد شود.

۳. موارد استثنایی ذکر شده در قانون ایران که در ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است؛ ضمن اینکه دایره شمول آن گسترده‌تر از استثنائات مذکور در قانون فرانسه است و دارای ابهام نیز می‌باشد. از جمله بند (الف) ماده یاد شده که مقرر می‌دارد: «بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد.» برابر قواعد مسلم آیین دادرسی کیفری و آثار اصل برائت، ضرورت ندارد متهم بی‌گناهی خود را ثابت کند، بلکه انکار اتهام از جانب وی کفایت می‌کند و مدعی باید انتساب جرم به متهم را اثبات نماید. فلذا محروم کردن متهم بی‌گناه از دریافت خسارت ناشی از بازداشت غیر ضروری به دلیل یاد شده، خلاف قاعده انصاف و معیارهای دادرسی منصفانه است. همچنین مقررات بند (پ) ماده مذکور دایره بر اینکه «متهم به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد»، شفاف نبوده و ظرفیت تفسیر موسع و به ضرر متهم را دارد. البته مقررات بند (ب) ماده ۲۵۶ که در قانون فرانسه نیز آمده است، کفایت می‌کند. با عنایت به مراتب یاد شده قانون فرانسه از حیث جبران خسارت متهمان بی‌گناه بازداشت شده، جامع‌تر از قانون ایران بوده و بهتر حقوق متهم را تأمین می‌کند.

نتیجه

قانون جدید آیین دادرسی کیفری، تحولات مثبت و نوآوری‌های مهمی در زمینه قرارهای تأمین به‌ویژه قرارهای جایگزین بازداشت موقت داشته است. منع صدور قرار بازداشت به‌جز در موارد خاص و استثنایی، لغو بازداشت موقت اجباری، توسعه قرارهای تأمین کیفری و پیش‌بینی قرارهای نظارت قضایی از جمله تدابیر نوین قانون موصوف در بسط و توسعه حقوق دفاعی متهم به شمار می‌رود. در قانون جدید برخلاف قانون آیین دادرسی کیفری سال ۷۸، صدور قرار بازداشت موقت به نحو بی‌رویه و خلاف قاعده مقرر نشده و تأکید بر استفاده از جایگزین‌های بازداشت شده است.

در مورد پرسش تحقیقی، با توجه به داده‌ها و یافته‌های پژوهش به این نتیجه می‌رسیم که صراحت و سیاق برخی از مواد قانونی در باب قرارهای تأمین و نظارت قضایی دلالت بر اصل «ممنوعیت صدور قرار بازداشت و الزام قضات به استفاده از قرارهای جایگزین بازداشت» دارد. در این خصوص می‌توان به مواد ۲۱۷، ۲۳۷، ۲۳۹ و ۲۵۴ اشاره کرد. علاوه بر موارد یادشده، آثار سوء و تبعات منفی فردی، اجتماعی و قضایی استفاده از قرار بازداشت موقت از قبیل وارد شدن خسارت مادی و آسیب روحی به متهم و خانواده او، امکان پیش‌داوری قضات و تقویت فرض «مجرمیت و محکومیت متهم»، استفاده احتمالی از حربه صدور «قرار جلب به دادرسی» و یا ترفند «محکومیت متهم حداقل به میزان مدت بازداشت وی»، ازدست‌دادن حرفه و شغل متهم و یا لطمه شدید به موقعیت اجتماعی وی، افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها و تحمیل هزینه‌های زیاد به دولت، سلب یا کاهش فرصت دفاع مطلوب متهم، هم‌نشینی افراد بی‌گناه یا مجرمین اتفاقی با بزه‌کاران سابقه‌دار نیز نظریه «الزامی بودن استفاده از جایگزین‌های بازداشت موقت» را تقویت می‌کند.

به طور خلاصه می‌توان گفت که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در باب قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی، تمهیدات، راهکارها و تدابیر مناسبی را که جنبه نوآوری دارند، به خصوص در مقایسه با قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸، در جهت تأمین حقوق و آزادی‌های فردی متهم و تضمین حقوق بزه‌دیده پیش‌بینی کرده است. منع صدور قرار بازداشت موقت به‌جز در موارد خاص و الزام به صدور قرارهای جایگزین بازداشت، مهم‌ترین این تدابیر محسوب می‌شود.

در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به خصوص مواد ۱۳۷، ۱۴۳ و ۱۴۴ نیز اصل «الزام قضات به استفاده از قرارهای نظارت قضایی جایگزین بازداشت» مورد تأکید قرار گرفته است. برابر مقررات مواد موصوف «بازداشت موقت، فقط هنگامی می‌تواند صادر یا تمدید شود که با توجه به عناصر

معین و مشروح ناشی از دادرسی اثبات گردد که تنها راه پیشگیری از یک یا چند مورد از موارد مذکور در ماده ۱۴۴، بازداشت موقت است و در صورت استقرار تحت نظارت قضایی، این امور لطمه نمی‌بیند. مقررات یادشده در قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح فرانسه هم پیش‌بینی شده است. گرچه رویکرد قانون ایران در استفاده از قرار نظارت قضایی اقتباس از قانون فرانسه است، در عمل تفاوت‌های اساسی در این مورد بین دو قانون یادشده، مشاهده می‌شود.

در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، قرارهای جایگزین بازداشت موقت تحت عناوین «قرارهای تأمین کیفری» و «قرارهای نظارت قضایی» در مواد ۲۱۷ و ۲۴۷ قانون موصوف از یکدیگر تفکیک شده‌اند؛ در حالی که در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه تمامی جایگزین‌های بازداشت موقت تحت عنوان «قرارهای نظارت قضایی» بیان شده است.

در نتیجه رویکرد مقنن فرانسوی در استفاده از جایگزین‌های بازداشت موقت روشن و واحد است، ولی در ایران سیاست جنایی دوگانه‌ای بر قانون آیین دادرسی کیفری از این حیث حاکم است.

با عنایت به مراتب فوق و داده‌های تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز مانند قانون فرانسه، قرارهای جایگزین بازداشت موقت صرفاً تحت عنوان «قرارهای کنترل و نظارت قضایی» پیش‌بینی شود و از ذکر آن تحت دو عنوان «قرارهای نظارت قضایی» و «تأمین کیفری» که باعث تداخل انواع و مصادیق آن‌ها نیز می‌شود، خودداری گردد.

۲- در راستای سیاست‌های کلی قضایی کشور مبنی بر یکسان‌سازی آیین دادرسی در محاکم کیفری و همسویی کامل دادرسی جرائم نیروهای مسلح با معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه، موارد بازداشت موقت الزامی جرائم نیروهای مسلح در اصلاحات قوانین مربوط، ملغی گردد.

۳- تضمینات کافی و ضمانت اجراهای لازم (حسب مورد کیفری، اداری- انتظامی و مدنی) جهت استفاده غیر ضروری مقامات قضایی از قراربازداشت موقت در نظر گرفته شود.

۴- دامنه موارد استفاده از قرار بازداشت موقت اختیاری نیز محدودتر و شرایط سختگیرانه‌تری جهت استفاده از قرار موصوف، در اصلاحات قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شود.

۵- در اصلاحات قانون آیین دادرسی کیفری، قرارهای نظارت قضایی که در حال حاضر در ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری پنج نوع است، توسعه یابد و از جایگزین‌های متنوع که

زیرساخت‌های آن در کشور فراهم است، استفاده شود. در این مورد می‌توان از بسیاری از مصادیق و تأسیسات قرارهای نظارت قضایی مقرر در ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه با تغییرات جزئی استفاده کرد.

منابع

فارسی

کتاب

- آخوندی، محمود (۱۳۸۸)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد پنجم، چاپ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات تهران.
- آشوری، محمد (۱۳۸۹)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- آشوری، محمد (۱۳۸۷)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
- آشوری، محمد (۱۳۷۶)، **عدالت کیفری «مجموعه مقالات»**، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
- الهی منش، محمدرضا (۱۳۸۹)، **قرار بازداشت موقت و جایگزین‌های آن در حقوق ایران و فرانسه**، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- تدین، عباس (۱۳۹۱)، **ترجمه قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه**، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- تدین، عباس (۱۳۹۴)، **قانون آیین دادرسی کیفری نیروهای مسلح ایران و فرانسه**، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- حیدری، الهام (۱۳۹۴)، **«حقوق دفاعی متهم در دوران تحت نظر» در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان**، فصل نامه علمی - پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۱، تهران.
- خزانی، منوچهر (۱۳۷۷)، **فرآیند کیفری «مجموعه مقالات»**، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
- رضوی، محمد (۱۳۸۶)، **حقوق کیفری نیروهای مسلح**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- زراعت، عباس (۱۳۹۳)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۴)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- مصدق، محمد (۱۳۹۴)، **قرارهای تامین کیفری، نظارت قضایی و قرارهای نهایی**، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- معاونت حقوقی و توسعه قضایی (قوه قضاییه) (۱۳۸۶)، **مجموعه قوانین و مقررات کیفری**، جلد اول، چاپ اول، تهران.
- معاونت قضایی و حقوقی (سازمان قضایی نیروهای مسلح) (۱۳۹۴)، **قانون آیین دادرسی کیفری**، چاپ اول، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۸۰)، **نقد و بررسی قرار بازداشت موقت در قانون آیین دادرسی ۱۳۷۸**، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۴، تهران.

- مؤذنزادگان، حسنعلی (۱۳۷۳)، «حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن»، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۳)، آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه..
- یزدانیان، محمدرضا (۱۳۸۱)، ضوابط و قواعد خاص حاکم بر بازداشت موقت، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۰، تهران.
- یزدانیان، محمدرضا (۱۳۹۴)، نوآوری های قانون جدید آیین دادرسی کیفری در مورد بازداشت موقت: رویکرد تطبیقی، فصلنامه کارآگاه، شماره ۳۱، تهران.